آرمان ملی
armanmeli.ir
سال سوم
شماره ۹۵۸
سه‌شنبه
۱۳۹۹•۱۲•۱۲
۱۸ رجب ۱۴۴۲/ ۲ مارس ۲۰۲۱

گفت‌وگو

میرقاسم مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دیپلماسی ناپخته جواب نداد

نتیجه غش کردن به سمت آذربایجان و ارمنستان

چرا روسیه به شهروندان قره‌باغ پاسپورت روسی می‌دهد؟

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: برخی اظهارنظرها از سوی برخی از مسئولان در روزهای اخیر در حمایت از یک کشور در منطقه قفقاز و نحوه پاسخ دادن رئیس‌جمهوری آذربایجان به یک سوال ساده خبرنگار ایرانی، آن تضادی است که بعضا سیاست خارجی کشور ما را گرفتار کرده‌است؛ سوالی بحق از یک خبرنگار که به نظر می‌رسد از برخی مسئولان به مراتب بیشتر نگران امنیت ملی کشورمان بوده و به‌صورت شفاف از رئیس‌جمهوری آذربایجان خواسته است تا در خصوص حضور تروریست‌ها در قره‌باغ توضیح دهد. تروریست‌های خونخواری که مستقیما از سوی دولت ترکیه به این منطقه اعزام شده‌اند و مرزهای ایران را با تهدید مواجه کرده‌اند. سوالی که مسئولان کشور نیز باید به صورت جدی پیگیر آن شوند. حمایت از دولتی که خاک خود را تبدیل به حیاط خلوت رژیم‌صهیونیستی کرده و خطری مضاعف را در کنار مرزهای کشور ایران ایجاد می‌کند و امروز علاوه بر آن تکفیری‌ها را نیز به کشور خود راه داده است. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت‌وگویی با میرقاسم مومنی، کارشناس ارشد مسائل قفقاز داشته است که در ادامه می‌خوانید.

سیاست ایران را در خصوص قفقاز در هفته‌های اخیر و پس از پایان جنگ قره‌باغ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایران همواره نسبت به مسائل قفقاز سیاست ثابت و برنامه‌ریزی‌شده نداشته است. ارمنستان و آذربایجان کشورهایی هستند که جزء تاریخ و فرهنگ کشور ما هستند. همواره این کشورها جز قلمرو تاریخ و تمدن ایران بوده و هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن شود که به‌خاطر مسائل سیاسی این قسمت‌ها از ایران جدا شده‌اند. ایران در این میان همواره نگاهی برادرانه به این کشورها داشته و پس از فروپاشی شوروی، استقلال این دو کشور را به رسمیت شناخته اما در این میان تنظیم روابط با ارمنستان و آذربایجان تبدیل به یک معضل در کشورمان شده است. یک زمان جنگ قره‌باغ در گذشته شکل گرفت و در آذربایجان علیه ایران شعار می‌دادند که چرا ایران از ارمنستان حمایت می‌کرد و این باعث شده بود سیاست‌های ضدایرانی در آذربایجان ایجاد شود. این مرتبه و در جنگ آخر نیز ایران به‌صورت کامل از آذربایجان حمایت کرد. این دو اتفاق در دو جنگ اخیر قره‌باغ، تعادل موازنه منافع ایران را از بین برده است. قفقاز از دیرباز برای ایران یک منطقه سوق‌الجیشی و مهم بوده اما امروز دیگر ما هیچ نقشی در آن منطقه نداریم و به جای ما روسیه در حال اعطای پاسپورت روسی به شهروندان قره‌باغ است. این به معنای تجزیه است. روسیه می‌خواهد هم‌مرز ایران شود و قصد دارد تا قره‌باغ را به یک کریمه دیگر تبدیل کند. این سیاست را در پیش گرفته است. در جنگ آخر قره‌باغ هم سر آذربایجان و هم سر ارمنستان کلاه رفته است. برنده اصلی این جنگ روسیه بود و یک تتمه‌ای در این میان به ترکیه رسید.

طرفداری صرف از یک کشور در منطقه قفقاز چه تبعاتی در پی دارد؟

در این وضعیت روسیه، آمریکا و اروپا توانسته‌اند منافع خود را در هر دو کشور دریابند و از موقعیت این کشورها استفاده می‌کنند. مسائل داخلی ارمنستان هیچ ارتباطی به ما ندارد و ناآرامی‌های اخیر در این کشور را مردم آن و دولت مرکزی باید مدیریت کنند. این اصل را ایران نسبت به آذربایجان مدنظر قرار می‌دهد اما تنظیم روابط ایران با این دو کشور هیچگاه به‌خوبی شکل نگرفته است. ما نباید هر بار به یکسو غش کنیم. این سیاست منافع بلندمدت کشور ما را به خطر می‌اندازد. از یکسو خبرنگار ایرانی از وجود تکفیری‌ها در قره‌باغ سوال می‌کند و الهام علی‌اف آن گونه جواب می‌دهد اما ما باز هم می‌گوییم حق با آذربایجان است. ما قبول داریم که خاک آذربایجان اشغال شده و آزادی آن جز سیاست‌های ما بوده است و مسئولان نیز بر آن اذعان کرده‌اند اما تنظیم روابط هنوز صورت نگرفته و نتوانسته‌ایم آن را مجزا از همه موارد شکل دهیم. جنگ قره‌باغ از نظر شکلی به ما ارتباطی ندارد اما از نظر محتوایی کاملا به ما مرتبط است؛ زیرا هر دو کشور هم‌مرز ما هستند. ما نباید منافع ملی خود را فدای یک کشور خاص کنیم. هر کدام از دو کشور بخشی از منافع ملی و مرز ما به آنها مرتبط است.

چه ضرورتی وجود دارد ایران به حمایت‌های خود به‌صورت هم‌زمان از هر دو کشور ادامه دهد؟

در اجلاس قره‌باغ به موضوع به‌صورت تک‌بعدی پرداخته شده است. همان‌قدر که آذربایجان برای کشور ما اهمیت دارد، ارمنستان نیز مهم است. موضع‌گیری ما بر افکار عمومی سایر کشورها تاثیر می‌گذارد و باید مراقب باشیم. باید سیاست ما نسبت به قفقاز بلندمدت و میان‌مدت تنظیم شود تا شاهد نباشیم که عملا در اتفاقات آن منطقه ایران بازی داده نشود. در مذاکرات صلح اخیر ترکیه به‌شدت نقش‌آفرینی می‌کند اما ایران نیست. ما نباید منافع خود را در ارمنستان به‌کلی فدای یک کشور دیگر کنیم.

«آرمان ملی» از ادعای جنجالی رئیس دولت‌های نهم و دهم گزارش می‌کند:

احمدی‌نژاد؛ ادعای ترور یا پروپاگاندای تبلیغاتی؟

احمدی‌نژاد: بحث ترور من جدی است

آرمان ملی- حمید شجاعی: محمود احمدی‌نژاد نمی‌خواهد خود را از تک و تا بیندازد و هر از چندی با یک اظهارنظر جنجالی، نوشتن نامه یا... خود را در صدر اخبار می‌نشاند. وی با اینکه عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است اما هیچگاه کنش‌های خود را محدود به این نهاد نکرده و همواره به کنش‌گری در عرصه سیاسی متناسب با اتفاقات و تحولات جامعه پرداخته است. هرچند که اصولگرایان سال‌هاست از وی عبور کرده‌اند اما سایه سنگین احمدی‌نژاد همچنان بر سر اصولگرایان افتاده است؛ البته گرچه در ظاهر آنها از چهره‌های دیگری سخن می‌گویند اما نمی‌توانند تاثیر احمدی‌نژاد را در کنش‌های خود در نظر نگیرند. موید این مساله را نیز می‌توان ماجرای بگومگوهای میان احمدی‌نژاد و حدادعادل دانست. این در حالی است که احمدی‌نژاد در آخرین اظهارنظرهای جنجالی خود از تهدیدش به ترور خبر داده است. باید دید این خبر بیشتر جنبه پروپاگاندای رسانه‌ای جهت هر چه بیشتر دیده شدن دارد یا مسائل دیگری در میان است.

تاثیر احمدی‌نژاد

بسیاری هنوز هم او را از مولفه‌های تاثیرگذار در فضای سیاسی به‌ویژه مقاطع انتخاباتی قلمداد می‌کنند. کسی که همواره سعی کرده به نحوی از انحاء با اظهارنظر یا کنشگری سیاسی در صدر اخبار رسانه‌ها و لنز دوربین‌ها باشد. زمانی اشکالاتی را به ساختار و لزوم اصلاح برخی امور وارد می‌کند، در زمان دیگری از لزوم اصلاح رابطه با آمریکا و جلوگیری از جنگ می‌گوید و حتی در این راستا به رئیس‌جمهور مستقر نامه می‌نویسد. احمدی‌نژاد در یکی از آخرین تحرکاتش نیز اخیرا در واکنش به اظهارات رئیس شورای وحدت اصولگرایان علیه خود به نحوی از خجالت غلامعلی حدادعادل درآمده است. جایی که وقتی حدادعادل در خصوص ردصلاحیت احمدی‌نژاد می‌گوید: «اتفاقی به هر دلیلی نیفتاد، این دفعه دلایلش بیشتر است؛ بنابراین به این فکر نکنید» در پاسخی با صراحت کامل به حدادعادل می‌گوید: «چگونه می‌توان انتظار داشت با نقش‌آفرینی کسانی که قبل از انقلاب دست فرح پهلوی را می‌بوسیدند و سپس تغییر چهره داده و سوپر حزب‌اللهی شدند، اوضاع کشور درست شود، وضع مردم سامان پیدا کند و حرکت انقلاب در مسیر صحیح جلو برود؟» لذا شاید همین صراحت کلام باشد که همواره او را در وسط میدان سیاست قرار داده و عده‌ای از سیاسیون را وادار کند که خواسته یا ناخواسته در زمین احمدی‌نژاد بازی کنند. آنچه مسلم است احمدی‌نژاد هم فهمیده که دیگر رویکردهای سابق نسبت به بسیاری از مسائل جامعه کارگر نیست و برای ماندن در عرصه سیاست عملی باید تغییر رویکرد دهد و نگاهی نو به جامعه و مسائلش داشته باشد. از همین رو است که به اظهار نظرات متفاوتی نسبت به هنرمندانی چون شهرام ناظری، مرحوم استاد شجریان، اتفاقات سال ۸۸، رابطه با آمریکا و مردم روی آورده است. هر چند که برخی معتقدند احمدی‌نژاد بر همان مدار سابق حرکت می‌کند و همچنان با تکیه بر پوپولیسم کار خود را پیش می‌برد. نمونه‌اش را نیز می‌توان در نوع اظهارات و کنش‌هایش دید. به عنوان مثال در دوران حضور خود در پاستور از آوردن پول نفت سر سفره مردم خبر داد؛ وعده‌ای که صرفا در حد شعار باقی ماند. اما اکنون نیز در فاصله ۴ ماهه تا انتخابات از وعده یارانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی خود پرده‌برداری کرده است. با همه این اوصاف بسیاری همچنان بر این باورند که نباید احمدی‌نژاد را به عنوان یکی از متغیرها و مولفه‌های تاثیرگذار در انتخابات ۱۴۰۰ از ذهن دور داشت چرا که خوب یا بد وی از پایگاه اجتماعی در جامعه برخوردار است. البته نکته‌ای که نباید مغفول بماند این است که احمدی‌نژاد اطلاعات ذی‌قیمتی از کشور دارد و بسیاری بر این باورند که شاید از عدم برخورد با رئیس دولت‌های نهم و دهم در همین امر نهفته باشد.

مسائلی را که دارم ضبط کرده‌ام

رئیس‌جمهور سابق در ادامه اظهارات جنجالی‌اش این‌بار از تهدید به ترورش حرف زده است. خبرآنلاین نوشت، محمود احمدی‌نژاد در پاسخ به سوالی درباره تهدیدش به ترور گفت: ستاد درست می‌کنند، برنامه تبلیغی درست می‌کنند برای تخریب دیگران. خوشبختانه سهم من خیلی زیاد است، از زمین و زمان می‌زنند! چه خبر است؟ چه شده است؟ وی افزود: من هم معتقد هستم که بحث ترور جدی است. خودشان می‌کشند، خودشان هم مراسم عزاداری برپا می‌کنند و بعد دیگران را متهم می‌کنند! رئیس‌جمهور سابق البته من یک جان ناقابلی دارم که فدای ملت ایران است. پای ملت ایران ایستاده‌ام، پای حقوق ملت ایران ایستاده‌ام، کوچک ملت ایران هستم. جان ما ناقابل است، فدای ملت ایران، فدای عظمت ایران. بروید و ببینید که آن کانال تلگرامی مال چه کسی است که رسما تهدید کرده است که ما می‌خواهیم ترور کنیم، پیدا می‌شود. وی اظهار کرد: البته من مسائل را گفته و تشریح کرده‌ام چون اطلاع دارم که کجاها، چه کسانی می‌نشینند و چه تصمیماتی می‌گیرند. اینها را گفته‌ام، ضبط کرده‌ام و در چندین جای مطمئن قرار داده‌ام. همان‌هایی را که نوشته‌ام دنبال کنید، می‌توانید متوجه بشوید که وابسته به کجاها هستند.

کنایه مهاجری به مخالفان روحانی

یک فعال رسانه‌ای اصولگرا در توئیتی نوشت: مخالفان حسن روحانی از اصلاح‌طلبان می‌خواهند مسئولیت اقدامات دولت او را بپذیرند و چه سخن درستی. محمد مهاجری در ادامه نوشت: اما همین جماعت با اینکه از تعفن رفتار رئیس اصولگراترین دولت تاریخ نمی‌داند چه خاکی بر سرش کند، ذره‌ای از مسئولیت اقدامات احمدی‌نژاد را نمی‌پذیرد. اینگونه مسئولیت‌پذیریم ما اصولگراها!

احمد پورنجاتی خطاب به خاتمی: برای مردم نامه می‌نوشتید

نامه ماندگار با مهر محرمانه!

عبدا... ناصری: از صفر تا صد نامه توسط خاتمی برنامه‌ریزی‌شده است

مردم محرم هستند، پس چرا از انتشار نامه خودداری می‌شود؟

آرمان ملی- مطهره شفیعی: رئیس دولت اصلاحات به مقام معظم رهبری نامه نوشت؛ نامه‌ای که اصلاح‌طلبان از محتوای آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و آنچه برخی سایت‌های خبری درباره آن نوشتند گمانه‌زنی می‌خوانند. حق‌شناس، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت که «این نامه برای دو ماه گذشته است و در خصوص دغدغه‌ها و آینده انقلاب و کشور با رهبری صحبت کرده‌اند.» بعد از این دفتر خاتمی واکنش نشان داد و گفت: «آنچه درباره محتوای نامه بیان می‌شود، حدسیات و گمانه‌زنی است.» این نامه چه بود که نتیجه آن تا به امروز هجمه اصولگرایان دلواپس به اصلاح‌طلبان و لیدر این جریان است و مشخص نیست خاتمی که مردم را همواره محرم می‌دانسته به چه دلیل از انتشار نامه خودداری می‌کند. از سوی دیگر، این‌بار برخی از اصلاح‌طلبان هم هستند که با رویکرد متفاوت رئیس دولت اصلاحات را خطاب قرار می‌دهند. رویکرد این بخش از اصلاح‌طلبان از موضع دلسوزی و هراس از ضربه به اعتبار و جایگاه خاتمی است مانند احمد پورنجاتی که دیروز نوشت: «می‌دانی که به خاطر بسیاری ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و قدرشناسی نسبی‌ات برای اندیشه و فرهنگ و هنر و پاکدستی‌ات، همچنان، دوستت می‌دارم و برایت احترام قائلم. می‌دانم که می‌دانی، من هرکه را بیشتر دوست می‌دارم و سرنوشت او برایم مهم است، رک‌تر و بی‌تعارف‌تر، در نقد گفتار و کردار او، دست به کیسه‌کشی و روشور و مشتمال می‌شوم. سابقه‌ام را در دیدارهای دونفره آن سال‌ها و برخی جلسات مشورتی که حضور داشتم، داری. یادت هست که در دیداری که (گمانم) سال ۸۴ پس از ظهور و استقرار احمدی‌نژاد بر سپهر اریکه قدرت اجرائی با شما داشتم، چه پیشنهاد کردم؟ چیزی در این مایه‌ها: آقای خاتمی! شما از جنس «سیاست» به مفهوم «قدرت» نیستی. سال ۷۶ هم، شبیه «پرویز پرستویی» در فیلم «لیلی با من است»، ناخواسته سرانده شدی به خط مقدم و خاکریز سیاست و دولت. البته، با عزت و سرفرازی نسبی، آن ۸ سال تمام شد. اما الان، وقت مناسبی ست که با «لیدرشیپی» یک جریان کنشگر سیاسی، وداع کنی و برگردی به عرصه کنش فرهنگی و اجتماعی. هم در داخل، هم در عرصه جهانی. دو نتیجه مثبت دارد این پیشنهاد: ۱- جریان اصلاح‌طلبی، به‌جای رانتخواری از نام و وجهه شخصی شما، یاد می‌گیرد که بدون بندناف، چگونه می‌تواند در زمین بازی دوام بیاورد. یا پرورده می‌شود و توانمندتر، یا از گردونه بازی، پرت می‌شود به خاطرات تاریخ. ۲- شما نیز از آماج زد و خوردها و تیر غیب خوردن‌های میدان انحصارزده سیاست، مصون می‌مانی اما نه عافیت‌جویانه. بلکه همچون سرمایه‌ای در مقیاس ملی و فراملی. حرف‌های دیگری هم با هم زدیم. هم با کلام و هم با زبان بدن، تایید کردید و دلسوزانه و خیرخواهانه دانستید. اما، افسوس که: طعم لذیذ در قدرت بودن - حتی با هدف اصلاحگری- به کام بسیاری از همگنان شما، خوش نشسته بود. نگذاشتند، لاین عوض کنید. هنوز هم، در بر همان پاشنه می‌چرخد! اینک که شنیدم، نامه‌ای بالابلند نوشته‌اید، بی‌آنکه بدانم متن آن چیست، اما حدس می‌زنم که همچنان در «عوالم هورقلیای افلاطونی» و «اپتیمیسم» بی‌حاصل این سال‌ها، در انتظار فرج مینی‌مالیستیک، باقی مانده‌اید. انگیزه شخصی شما را جز خیرخواهی برای ایران و ایرانی نمی‌دانم. و می‌دانم که بسیار، نگران «آنومی اجتماعی» و «آنارشی کور» و «سرنوشت مبهم آینده‌ای نه چندان دور» هستید. اما، به‌رغم همه این دلواپسی‌های بجا، کاش دو خط نامه به ملت بنویسید و اعلام کنید که: «تا اینجای کار به این نتیجه رسیده‌ام که کار قیصر را به قیصر و کار خسرو را به خسرو، واگذارم و از عرصه سیاست، کناره بگیرم. سکوت می‌کنم. چون، حرفی ندارم. اگر هم دارم، خریداری ندارد. خلاص!»

روایت ابطحی از جزییات نامه

از سوی دیگر نزدیکان به خاتمی روایت دیگری داشتند. سیدمحمدعلی ابطحی در پستی در اینستاگرام خود نوشت: من هم می‌دانم آقای خاتمی نامه‌ای سربسته توسط یکی از نزدیکانش تحویل دفتر رهبری داده است و همان‌طور در بسته تحویل رهبری معظم شده است. از همین کارش مشخص است که قصدش تبلیغات و بده‌بستان‌های جاری نبوده است. اختلاف‌نظر آشکاری در میان بزرگان اصلاح‌طلب هست که آیا در حاکمیت گوشی برای شنیدن نظرات متفاوت وجود دارد یا خیر. من هم شخصا معتقد نیستم نامه آقای خاتمی با ریل‌گذاری فعلی سیاسی تاثیرگذار باشد یا پاسخی دریافت کند. اما نقش مصلحانی مثل آقای خاتمی که نه قصد براندازی دارد و نه می‌تواند در برابر مشکلات بی‌تفاوت باشد، نگفتن نیست. هرچه بیشتر نظرات را بتواند مطرح کند، در پیشگاه خدا و خلق سربلندتر است. اشکالی اگر بوده است به سکوت آقای خاتمی در موارد مختلف هست. این‌بار که سکوت نکرده و نظرات اصلاحی را صریح و صمیمی و بدون پروپاگاندا در اختیار نفر اول نظام گذاشته است، قابل تقدیر است. خاتمی امروز و دیروز مصلح نبوده است. همیشه روشش اصلاحگرانه بوده است.

چرا به او حمله شد؟

همچنین عبدا... ناصری فعال سیاسی اصلاح‌طلب می‌نویسند: «از محتوا و کم و کیف نامه جناب خاتمی به رهبری مثل همه یاران و نزدیکان ایشان بی‌خبر هستم. ولی با شناختی که از ایشان و دردمندی‌های ملی‌اش دارم: ۱- این حرکت مصلحانه از کنش‌های نادر اوست که از صفر تا صد توسط خودشان تصمیم و برنامه‌ریزی شده است. ۲- باور دارم هیچ درخواست فردی و شخصی در این نامه وجود ندارد و هر آنچه نوشته شده دغدغه اجتماعی و ملی اوست. ۳- طبق مفروض‌های شخصی‌ام تردید ندارم در زمره دغدغه‌های ملی مصلحانه آقای خاتمی از سال ۸۸، همیشه رفع حصر بوده است.» ناصری در بخشی از این نوشتار از چرایی دغدغه دلواپسان از نگارش نامه توسط خاتمی چنین آورده است: ناروا گویی و اهانت شریعتمداری و مرندی به او نشانه دو چیز است: یکی پخش و نشر همه یا بخشی از نامه توسط نهاد رهبری و دیگری تاکیدی است بر خالی بودن نامه از تقاضای شخصی.

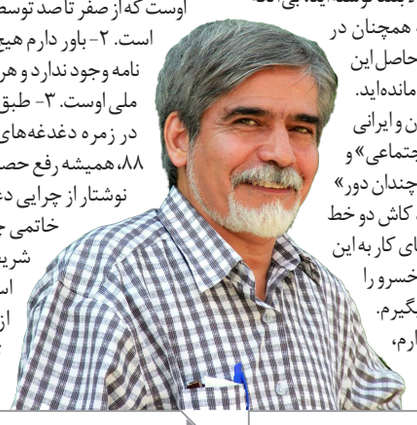

گزارش

«آرمان ملی» از آخرین تحولات تصویب FATF گزارش می‌دهد

مجمع گرفتار صحنه‌سازی‌ها نشد

مخالفت‌های بدون اساس تندروها پایان خواهد یافت؟

محمد صدر: مخالفان FATF دچار تردید شده‌اند

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی: پس از درخواست دولت از مقام معظم رهبری مبنی بر بررسی مجدد لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجمع این کنوانسیون را در کمیسیون‌های خود مورد بررسی قرار داد. همچنین جلساتی با حضور افراد ذی‌صلاح برای اظهارنظر در این حوزه از جمله رئیس بانک مرکزی، در مجمع تشخیص مصلحت برگزار شده است. با این وجود مخالفان اجرای FATF در بیرون از این نهاد، همچنان با طرح دلایل غیرکارشناسی به‌دنبال مقابله با پیوستن ایران به این معاهده هستند. در این شرایط به‌نظر می‌رسد، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت تاثیر این اظهارات قرار نگرفته مصلحت کشور را در اولویت اصلی قرار داده‌اند. به همین سبب، محمد صدر از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفت‌وگویی از کاهش مخالفت‌ها پیرامون FATF خبر داد.

رویای موافقان یا توهم مخالفان؟

مخالفان این لوایح در گفت‌وگو با رسانه‌های تندرو جریان اصولگرا مسائلی را در مخالف با پیوستن ایران به «گروه ویژه اقدام مالی» مطرح می‌کنند که از اساس اعتبار چندانی ندارد. اخیرا مخالفت با FATF به دلیل نبود استدلال‌های کارشناسانه به سمت کلی‌گویی‌ها کذب حرکت کرده است. در روزهای گذشته خبرگزاری فارس یادداشت یک فعال دانشجویی در مخالفت با معاهده مذکور را منتشر کرده نوشته است: «گفته شد در صورت پذیرش برخی لوایح FATF بلافاصله دسترسی ایران به بازارهای مالی جهانی و دارایی‌های بلوکه‌شده فراهم می‌شود و تحریم‌هایی که سال‌ها دشمنان بر مردم تحمیل کرده بودند، از بین می‌رود اما در عمل این رویا آنگونه که انتظار می‌رفت تعبیر نشد.» باید اشاره کرد، این رویا، نه رویای مدافعان FATF که ادعاهای کذب مخالفان است، زیرا این کنوانسیون هیچ ارتباطی با تحریم‌های یکجانبه آمریکا نداشته و نگارنده متن مورد بحث از اساس اطلاعی از چیستی گروه ویژه اقدام مالی ندارد. همچنین جمعی از اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در نامه‌ای خطاب به رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در روزهای اخیر نوشته‌اند: «شما با تصویب این لایحه، سخنان دشمنان کشور را تایید کرده‌اید و چطور می‌خواهید جواب خون حاج قاسم سلیمانی که هنوز انتقام سخت او گرفته نشده با دشمنان و قاتلین او هم‌پیمان شویم و موضع آنها را تایید کنید؟! چطور این تناقض را جواب خواهید داد؟!» اگرچه نگارندگان نامه به‌درستی از ترور ظالمانه شهید سپهبد قاسم سلیمانی اندوهگین هستند اما به‌نظر می‌رسد این افراد نیز به دلیل تبلیغات غلط ذی‌نفعان مشکلات اقتصادی اطلاع ندارند که آمریکا متهم اصلی جنایت مذکور بوده و FATF هیچ ارتباطی با ترور شخصیت‌های ارزشمند کشور ندارد. ریاست FATF دوره‌ای بوده و آمریکا تنها یک دوره اداره جلسات این گروه را برعهده داشته است.

از برجام تا FATF

یکی از دفاعیات رایج مخالفان مبارزه با پولشویی ایجاد ترس از پیوستن به کنوانسیون‌های جهانی با تخریب برجام است. روز گذشته حسن نوروزی نماینده مردم رباط‌کریم، در گفت‌وگو با فارس اظهار کرد: «آنهایی که عنوان می‌کنند که اگر به FATF نپیوندیم مشکلات کشور از جمله مشکلات معیشتی بیشتر می‌شود و شرایط بر ما سخت‌تر خواهد شد، همان کسانی هستند که در مذاکرات برجام برای امضای این توافق و پذیرش شروط کشورهای غربی، این مسائل را مطرح می‌کردند.» این در حالی است که FATF ارتباطی با تنها غرب نداشته و همه کشورهای دنیا جز ایران و کره شمالی در آن حضور دارند. همچنین آیا هنوز کسی وجود دارد که بر لزوم رفع تحریم‌های آمریکا تاکید نداشته باشد؟ اگر برجام نبود، چین هنوز هم علیه ایران قطعنامه صادر می‌کرد، درحالی‌که چین و روسیه هم‌اکنون نیز به دلیل تصویب نشدن لوایح FATF از انجام مبادلات مالی با ایران امتناع می‌کنند.

حتما باید عضو کنوانسیون FATF و پالرمو بشویم

با وجود تمامی این فضاسازی‌ها، به‌نظر می‌رسد که اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام درگیر سخنان غیرکارشناسی نشده و منافع ملی را بر همه صف‌بندی‌ها اولویت داده‌اند. در همین راستا، روز گذشته محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: «در جلسه آخری که در مجمع برگزار شد وزرای دولت دکتر دژپسند وزیر اقتصاد، دکتر ظریف وزیر امور خارجه، آقای زنگنه وزیر نفت، دکتر همتی رئیس بانک مرکزی و خانم دکتر جنیدی معاون حقوقی رئیس‌جمهور حضور داشتند، همه آنها گزارش بسیار مفید و جالبی در این باره ارائه داده‌اند که در واقع از نظر بنده قانع‌کننده بود، مبنی بر اینکه بالاخره ما باید به لوایح FATF بپیوندیم و اگر نپیوندیم چه عوارضی برای کشور به دنبال دارد که مهمترین آن حداقل افزایش ۲۰درصد از هزینه‌های کل کشور است؛ از این رو برای اینکه این هزینه به کشور وارد نشود حتما ما باید عضو کنوانسیون CFT و پالرمو بشویم. احساس می‌شود تا حدودی تردیدی در برخی از مخالفان ایجاد شده است اما در واقع به همه دلایل مخالفت‌های آنها و آن چیزهایی که مطرح می‌کنند پاسخ داده شد و مسئولان دولتی هم گفتند.»

ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس شفاف‌سازی کنند

نماینده مردم صومعه‌سرا در مجلس در رابطه با پرداخت مالیات از سوی ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس رضوی گفت: ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و آستان قدس مدتی است که مالیات پرداخت می‌کنند اما نیاز به شفاف‌سازی دارد و باید به دنبال آن باشیم. کاظم دلخوش اباتری در ادامه درباره مالیات‌های دیده‌شده در بودجه ۱۴۰۰ بیان کرد: در شرایط فعلی هر چیزی را به عنوان مالیات نباید افزایش داد؛ زیرا بر زندگی مردم تاثیر منفی دارد، افزایش مالیات‌ها بر کالاهای ضروری مردم اثر مستقیم دارد، مانند پتروشیمی‌ها که سومین رقم در ارزآوری کشور هستند. برخی نمایندگان به جای نظارت به دنبال این هستند تا از اینها پول دریافت کنند، افزایش مالیات یا اخذ مالیات گاهی موجب گرانی کالاها می‌شود و در این بین مردم عادی متضرر می‌شوند. به بخشی از مالیات‌ها اعتقادی ندارم. او افزود: ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس بهتر است برای اینکه مردم در جریان قرار بگیرند مالیات خود را شفاف‌سازی کنند.

مشارکت در انتخابات ۵۵ درصدی خواهد بود

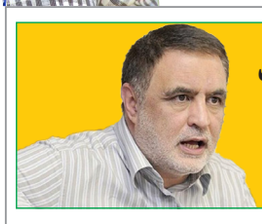

فعال سیاسی اصولگرا گفت: قالیباف نگفته است که در انتخابات شرکت نمی‌کند یکی از نزدیکان او اعلام کرده در صورت شرکت رئیسی، قالیباف شرکت نخواهد کرد و اتفاق خاصی نیفتاده است و عدم حضور او در انتخابات، اصلا قطعی نیست. ناصر ایمانی افزود: اگر رئیسی بیاید باتوجه به سابقه و جایگاهی که دارد و طبق نظرسنجی‌های عمومی جایگاه او دیده شده و به مقدار زیادی مورد اجماع خواهد بود ولی اگر او نیاید اجماع به این شدت نخواهد بود و اجماع مشکل‌تر خواهد بود. اگر رئیسی بیاید قالیباف نیست و اگر قالیباف شرکت کند رئیسی در صحنه نیست. مردم قاعدتا مقایسه می‌کنند و اگر ببینند قالیباف در بین سایر کاندیداها بیشتر جلب توجه می‌کند قطعا چه در مرحله اول و دوم رای می‌آورد. او گفت: در انتخابات ریاست‌جمهوری میزان مشارکت معمولا بالاست چون انتخابات ریاست‌جمهوری بر سرنوشت خانواده‌های ایرانی تاثیر دارد از این رو من فکر می‌کنم مشارکت چیزی در حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد خواهد بود.

طرح دولت پنهان برای فرار رو به جلو است

دبیرکل حزب ندای ایرانیان با اشاره به اینکه مطرح کردن دولت پنهان فقط برای فرار روبه‌جلو است، گفت: احمدی‌نژاد شش سال ثابت کرد که رئیس‌جمهور می‌تواند نفر اول اجرایی در کشور باشد. شهید رجایی فرد مقتدری بود. اگر ناهماهنگی بوده است خودمان ایجاد کرده‌ایم. وقتی سیاست مبتنی بر محدودسازی است و اقتصاد، انحصارسازی و خصوصی‌سازی، خاص‌سازی است، طبیعی است دولت پنهان، قاچاق و افراد سوگلی شکل بگیرد. صادق خرازی ادامه داد: اگر خود دولت و رئیس‌جمهور دنبال شفاف‌سازی بوده و اجازه ندهند افراد خانواده و نزدیکانش از رانت بهره ببرند دیگر راه و دولت پنهان به‌وجود نمی‌آید. در واقع دولت پنهان نتیجه عملکرد دولت رسمی است که نمی‌تواند پاسخگو باشد. وی درباره ادعا نداشتن اختیار برای معرفی وزیر و حتی تحت فشار قرار گرفتن در این زمینه گفت: این ریشه در خودخواهی دولت‌ها دارد. این همه افراد در کشور داریم یعنی نمی‌توانیم آنها را وزیر کنیم؟ دولت‌ها چون با برخی افراد مشکل دارند، آنها را انتخاب نمی‌کنند.